



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه تربیت معلم آذربایجان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد
رشته زبان و ادبیات فارسی

زندگی و دیدگاه های ادبی و اجتماعی صادق هدایت، بزرگ علوی، جلال آل احمد و سیمین دانشور در نامه های منتشر شده آنان

استاد راهنما:

دکتر ناصر علیزاده

استاد مشاور:

دکتر رحمان مشتاق مهر

پژوهشگر:

فریده چوپانی

۱۳۹۰ / ۶

تبریز / ایران

چکیده

نامه‌ها از شاخه‌های فرعی انواع ادبی محسوب می‌شوند. نامه‌نگاری با دوستان و هم‌اندیشان و سایر هنرمندان، با وجود نمونه‌های متنوع آن در ادب کلاسیک، در میان نویسندگان معاصر نیز متداول شده است. این نامه‌ها علاوه بر داشتن درون‌مایه‌ای ادبی و هنری، در بازگو کردن فرهنگ و رویدادهای اجتماعی معاصر هم، به عنوان اسنادی تاریخی، بسیار ارزشمند و شایان توجه می‌باشند.

در پژوهش حاضر، چهار تن از نویسندگان دوره معاصر ایران را برگزیده ایم تا به تحلیل دیدگاه‌ها یا نظریه‌های ادبی و اجتماعی آنان بپردازیم. این نویسندگان عبارتند از: صادق هدایت، بزرگ علوی، جلال آل احمد و سیمین دانشور.

علی‌رغم شهرت این چهار نویسنده برجسته در قصه‌نویسی، این تحلیل و بازشناسی صرفاً در چهارچوب نامه‌های منتشر شده آنان انجام پذیرفت. سعی ما بر این بوده است تا با طبقه‌بندی و تحلیل موضوعی این نامه‌ها، در واقع بر بینش‌ها و جوشش‌های ادبی و هنری آنان مروری مجدد داشته باشیم. این مهم، از یک سو بازتاب گسترده دیدگاه‌های ادبی و اجتماعی این نویسندگان را شامل می‌شود و از سوی دیگر نظریه‌های آنان را در حوزه نقد و تحلیل، با زبانی ساده و صمیمی، بلاواسطه و به دور از شخصیت پردازی‌های داستانی یا بهره‌گیری از ابزارهای بلاغی، می‌نمایاند.

نتیجه آن که در امتداد خط فکری - پژوهشی این نویسندگان، و با در نظر گرفتن تنوع نگرشی و جهان بینی هر یک در طرز تلقی از ادبیات، جامعه و زندگی؛ شباهت‌ها و تفاوت‌های چشمگیر محتوایی، سبکی و بیانی در نامه‌های هر یک از آن‌ها بررسی و در فصول جداگانه ارائه گردید.

کلمات کلیدی: انواع ادبی، نامه‌ها، هدایت، علوی، آل احمد، دانشور، نقد ادبی، دیدگاه اجتماعی

فهرست مطالب

چکیده	یک
پیشگفتار	أ
مقدمه	۱
۱- نثر معاصر فارسی	۲
۲- انواع ادبی	۴
۲ - ۱: زندگی نامه ها	۵
۲ - ۲: منشآت، مکتوبات، نامه ها	۶
۲ - ۳: رمان و داستان نویسی	۹
۳- نقد ادبی	۱۳
۳ - ۱: تأملی بر نظریه های ادبی	۱۸
۳ - ۲: جاودانگی تألیف یا مؤلف؟!	۲۱
۳ - ۳: ضرورت و اهمیت وجود خواننده یا تماشاگر	۲۹
۴ - نفوذ فکری - ادبی هدایت، علوی، آل احمد و دانشور در فرهنگ و ادب معاصر	۳۱
فصل اول: کلیات	۳۹
۱ - چيستی ادبیات	۴۰
۲ - پیوند ادبیات با تاریخ و فرهنگ	۴۲
۳ - رسالت ادبیات در اجتماع	۴۳
۳ - ۱: هنر و ادبیات متعهد	۴۶
۴ - ادبیات در راستای تکامل فرهنگی	۴۷
۵ - اثر ادبی و جهان	۵۰

- ۵ - ۱: عنصر زبان ۵۲
- ۵ - ۲: عنصر سبک ۵۳
- ۵ - ۳: عنصر گفت و گو ۵۴
- ۶ - عینیت یا ذهنیت گرای؟ ۵۵
- ۷ - غرب زدگی یا سنت گرای؟ ۵۶

فصل دوم: صادق هدایت ۵۹

۱ - صادق هدایت (۱۲۸۱؛ تهران - ۱۳۳۰؛ پاریس) ۶۰

۱ - ۱: صادق هدایت به روایت نامه ها ۶۰

۱ - ۲: انگیزه نامه نگاری هدایت ۶۳

۱ - ۳: حجم نامه ها ۶۴

۱ - ۴: مخاطبان نامه ها ۶۵

۲ - دیدگاه های ادبی صادق هدایت در نامه ها ۶۶

۲ - ۱: آثار هدایت در نامه ها ۶۶

۲ - ۱ - ۱: تألیفات داستانی ۶۶

۲ - ۱ - ۱ - ۱: انعکاس "بوف کور" در نامه ها ۶۷

۲ - ۱ - ۱ - ۲: انعکاس "توپ مرواری" در نامه ها ۶۸

۲ - ۱ - ۱ - ۳: انعکاس "افسانه آفرینش" در نامه ها ۶۹

۲ - ۱ - ۲: تألیفات پژوهشی ۷۱

۲ - ۲: هدایت نویسنده ۷۳

۲ - ۳: هدایت مترجم ۷۷

۲ - ۳ - ۱: بازتاب آثار ترجمه شده در نامه ها ۷۸

۲ - ۴: نویسندگی از نگاه صادق هدایت ۷۹

۲ - ۴ - ۱: فرم و محتوای اثر ۷۹

- ۸۰ ۲ - ۴ - ۲: کمال اثر ادبی
- ۸۱ ۲ - ۴ - ۳: ابتکار یا تقلید
- ۸۲ ۲ - ۵: کتابخوانی
- ۸۲ ۲ - ۵ - ۱: مطالعه
- ۸۲ ۲ - ۵ - ۲: سفارش کتاب
- ۸۴ ۲ - ۵ - ۳: ارسال کتاب
- ۸۵ ۲ - ۶: نقد و انتقاد
- ۸۶ ۲ - ۶ - ۱: نقد آثار داستانی و پژوهشی ایرانی
- ۸۷ ۲ - ۶ - ۲: نقد آثار داستانی و پژوهشی غربی
- ۸۸ ۲ - ۶ - ۳: نقد چند پژوهشگر غربی
- ۹۰ ۳ - دیدگاه های اجتماعی صادق هدایت در نامه ها
- ۹۰ ۳ - ۱: صادق هدایت و دنیای غرب
- ۹۲ ۳ - ۱ - ۱: هدایت و تأثیر پذیری از غرب
- ۹۳ ۳ - ۲: هدایت و ادبیات بومی
- ۹۵ ۳ - ۲ - ۱: فعالیت های فرهنگی
- ۹۵ ۳ - ۳: منزلت اجتماعی یک نویسنده
- ۹۷ ۳ - ۳ - ۱: شهرت هدایت
- ۹۸ ۳ - ۳ - ۲: کیفیت زندگی مادی هدایت
- ۹۹ ۳ - ۳ - ۳: چاپ آثار
- ۱۰۲ ۳ - ۴: بازتابی از مسافرت های هدایت
- ۱۰۴ ۳ - ۵: گله گزاری از تأخیر در دریافت نامه ها و کتاب ها
- ۱۰۴ ۳ - ۶: صادق هدایت: نویسنده ای مایوس
- ۱۱۲ ۳ - ۶ - ۱: هدایت طنز پرداز

۱۱۴ ۷-۳: ما در نوشتن مدیون صادق هدایت هستیم

۱۲۳ فصل سوم: بزرگ علوی

۱۲۴ ۱- بزرگ علوی (۱۲۸۳؛ تهران - ۱۳۷۵؛ برلین)

۱۲۴ ۱-۱: بزرگ علوی به روایت نامه ها

۱۲۴ ۱-۱-۱: اشتیاق علوی به مکاتبه با ادبای ایرانی

۱۲۸ ۲- دیدگاه های ادبی بزرگ علوی در نامه ها

۱۲۸ ۱-۲: آثار خود

۱۲۸ ۲-۱-۱: تألیفات ادبی - پژوهشی

۱۳۵ ۲-۱-۲: تألیفات داستانی

۱۳۷ ۲-۱-۳: انعکاس خاطرات علوی در نامه ها

۱۳۸ ۲-۱-۴: ترجمه ها

۱۳۹ ۲-۲: کتابخوانی

۱۴۰ ۲-۲-۱: سفارش و ارسال کتاب

۱۵۰ ۲-۳: اهمیت نقد آثار

۱۵۱ ۲-۳-۱: پایداری اثر ادبی

۱۵۲ ۲-۳-۲: بزرگ علوی خود را منتقد نمی شمارد

۱۵۳ ۲-۳-۳: نقد آثار ایرانی

۱۵۷ ۲-۳-۴: مقایسه داستان های ایرانی و غربی

۱۵۹ ۲-۳-۵: نقد آثار خارجی

۱۶۰ ۲-۳-۶: نظراتی در باب چند پژوهشگر

۱۶۲ ۲-۳-۷: نقد آثار خود

۱۶۴ ۲-۴: سخنرانی های ادبی

- ۳ - دیدگاه های اجتماعی بزرگ علوی در نامه ها ۱۶۷
- ۳ - ۱: انعکاسی از ایران دوستی علوی ۱۶۷
- ۳ - ۲: علوی و فرهنگ غرب ۱۶۸
- ۳ - ۳: بازتابی از زندگی شخصی علوی ۱۶۹
- ۳ - ۴: گله گزاری از تأخیر در دریافت بسته های پستی ۱۷۱

فصل چهارم: جلال آل احمد ۱۷۸

- ۱ - جلال آل احمد (۱۳۰۲؛ تهران - ۱۳۴۸؛ اسالم گیلان) ۱۷۹
- ۱ - ۱: جلال آل احمد به روایت نامه ها ۱۷۹
- ۱ - ۱ - ۱: جلال آل احمد و سیمین دانشور در دنیای نامه ها ۱۸۰
- ۲ - دیدگاه های ادبی جلال آل احمد در نامه ها ۱۸۵
- ۲ - ۱: نویسندگی در نظرگاه آل احمد ۱۸۵
- ۲ - ۲: وادی ادبیات و رسالت آن از نگاه آل احمد ۱۸۹
- ۲ - ۲ - ۱: ادبیات معاصر ۱۹۰
- ۲ - ۲ - ۲: تعهد یک نویسنده: ۱۹۱
- ۲ - ۲ - ۳: استقبال از اثر ۱۹۲
- ۲ - ۳: نقد و انتقاد در نظر آل احمد ۱۹۴
- ۲ - ۴: گزارشی از آثار خود ۱۹۶
- ۲ - ۵: سفارش و ارسال کتاب ۱۹۸
- ۲ - ۶: نقدی بر آثار سیمین دانشور ۱۹۹
- ۲ - ۶ - ۱: حمایت فکری از سیمین دانشور ۲۰۲
- ۲ - ۷: حمایت فکری از برخی نویسندگان و هنرمندان ۲۰۹
- ۳ - دیدگاه های اجتماعی جلال آل احمد ۲۱۲

- ۳-۱: تجربه مداری ۲۱۳
- ۳-۲: اغتنام فرصت ۲۱۴
- ۳-۳: تأثیر محیط بر هنرمند ۲۱۷
- ۳-۴: منزلت اجتماعی یک نویسنده ۲۲۲
- ۳-۵: آل احمد، فرهنگ غرب و فولکلور ۲۲۴
- ۳-۶: انعکاسی از سفرها و سخنرانی های آل احمد ۲۲۷
- ۳-۷: برداشت هایی از فلسفه زندگی ۲۳۰
- ۳-۷-۱: تبادل فکری با دانشور ۲۳۲
- ۴- آل احمد در نگاه دیگران ۲۳۴
- فصل پنجم: سیمین دانشور** ۲۴۴
- ۱- سیمین دانشور (۱۳۰۰؛ شیراز) ۲۴۵
- ۱-۱: سیمین دانشور به روایت نامه ها ۲۴۵
- ۱-۱-۱: سیمین دانشور و جلال آل احمد در دنیای نامه ها ۲۴۶
- ۲- دیدگاه های ادبی دانشور در نامه ها ۲۵۰
- ۲-۱: نویسندگی از دید دانشور ۲۵۰
- ۲-۱-۱: نویسندگی خود ۲۵۱
- ۲-۱-۲: ترجمه ۲۵۳
- ۲-۲: وادی ادبیات ۲۵۳
- ۲-۲-۱: ادبیات داستانی ۲۵۴
- ۲-۲-۲: ادبیات نمایشی ۲۵۶
- ۲-۲-۲-۱: نمایشنامه نویسی ۲۵۷
- ۲-۲-۲-۲: گریزی به فیلم و نقد فیلم ۲۶۰

- ۲۶۲ ۲-۲-۳: هنر تئاتر
- ۲۶۳ ۲-۲-۳: ادبیات کودکان
- ۲۶۵ ۲-۲-۴: ادبیات تجاری
- ۲۶۵ ۲-۳: گزارشی از داستان های خود
- ۲۶۷ ۲-۴: بازتابی از آثار آل احمد
- ۲۶۹ ۲-۴-۱: تحسین جلال آل احمد
- ۲۷۱ ۲-۴-۲: حمایت فکری دانشور از آل احمد
- ۲۷۴ ۲-۴-۲-۱: حمایت های فکری آل احمد از دانشور
- ۲۷۵ ۲-۵: نقد
- ۲۷۷ ۲-۵-۱: نقدی بر داستان های خود
- ۲۸۰ ۲-۵-۲: سیمین دانشور از نگاه اساتید دانشگاه استنفرد امریکا
- ۲۸۴ ۲-۵-۳: نقد آثار دیگران
- ۲۸۷ ۳- دیدگاه های اجتماعی سیمین دانشور در نامه ها
- ۲۸۷ ۳-۱: پشتوانه فرهنگی نویسنده
- ۲۸۸ ۳-۲: اهمیت تعلیم و تربیت
- ۲۸۹ ۳-۳: منزلت اجتماعی یک نویسنده یا هنرمند
- ۲۹۱ ۳-۴: گله گزاری از تأخیر در ارسال و دریافت نامه ها
- ۲۹۲ ۳-۵: سخنرانی ها
- ۲۹۶ نتیجه گیری
- ۲۹۸ نمایه اعلام
- ۳۰۹ نمایه آثار
- ۳۱۸ فهرست منابع و مآخذ

پیشگفتار

اندیشه های یک نویسنده می تواند در اشکال و قالب های متفاوتی نمود یابد. نامه ها را می توان یکی از این اشکال، و از جمله شاخه های فرعی انواع ادبی به شمار آورد. در رساله پیش رو چهار تن از نویسندگان برجسته در عرصه داستان نویسی معاصر ایران را برگزیده ایم و نامه های آنان را به صورت مستقل مورد بحث و بررسی قرار داده ایم. این نویسندگان عبارتند از: صادق هدایت، بزرگ علوی، جلال آل احمد و سیمین دانشور.

نویسندگان مورد بحث در رساله حاضر، همچون بیشتر هنرمندان و اندیشمندان در زمینه تجاری از زندگی فردی و اجتماعی، آثار ادبی و هنری، تاریخ و فرهنگ بومی و غیر بومی، ادبیات ایران و جهان و دیدگاه های منحصر به فرد و جالب توجهی دارند، که علاوه بر دیگر آثار تألیفی یا تحقیقی شان، در نامه ها و دست نوشته هایشان نیز به شکلی محسوس و متفاوت، انعکاس یافته است.

از آن جا که اغلب این دست نوشته ها با هدف انتشار عمومی نوشته نشده اند، در قالب جملاتی ساده و صادقانه، و ایجاد فضایی صمیمی، مجال شناخت هر چه بهتر نویسندگان - و حتی مخاطبان آنها- را با ارائه تصویری زنده و روشن، فراهم کرده است.

با توجه به بررسی های انجام شده نامه های این نویسندگان در چهارچوبی مستقل، مورد عنایت پژوهشگران قرار نگرفته است. علی رغم آگاهی ما به وجود تعداد بسیاری نامه از این چهار نویسنده به مخاطبان متعدد، بنای کار بر این قرار گرفت که این تحقیق و بررسی در خصوص نامه های انتشار یافته و در دسترس آنان، انجام پذیرد. این نامه ها شامل ۹ جلد مجموعه نامه های هدایت، علوی، آل احمد و دانشور به مخاطبان محدود می باشد؛ اما از همین منابع انگشت شمار، دیدگاه ها و نظریات ارزشمند و جالب توجهی به دست آمد که در فصول جداگانه با زیرمجموعه های مرتبط، مورد تحلیل و کند و کاو قرار گرفت. همین نظریه های موجز در تعداد محدود، در اغلب موارد چون نقشه ای ما را به بسط نظرات و دیدگاه های با ارزش؛ و مهم تر از همه به سمت و سوی فضای فکری و دغدغه های اصلی نویسندگان آنها هدایت می کند.

نکته قابل توجه آن که متن نامه ها به دلیل دارا بودن نکات فراوان بلاغی، دستوری و ... از دو زاویه ساختاری و محتوایی قابل بررسی هستند. در رساله حاضر، نامه های مورد استناد، صرفاً از لحاظ محتوا، بررسی و طبقه بندی گردیده اند؛ و طرح اندیشه های فردی و اجتماعی و کیفیت زبانی ارائه دهنده این دیدگاه ها در تحلیل نهایی مورد توجه قرار گرفته است. نتیجه آن که مطالب مرتبط، به صورت موضوعی استخراج و فیش برداری شده و در مرحله تدوین، تحت عناوین کلی "دیدگاه های ادبی" و "دیدگاه های اجتماعی" به همراه برداشت های خاص هر کدام، از رخدادهای زندگی؛ در نامه های منتشر شده این نویسندگان، به شکل کنونی ارائه گردید.

همچنین سبک نگارشی و تاریخ گذاری نامه های هر یک از چهار نویسنده، منطبق با متون اصلی نامه ها لحاظ گردید تا رسم الخط و سلیقه این نویسندگان نمایانده شود. شایان ذکر است که بازشناسی این بزرگان در نامه ها و استخراج نظرات آنان، نیازمند شناخت قبلی از سبک نوشتاری و کیفیت دیگر آثارشان بود. بنابراین علاوه بر نامه ها، دیگر آثار مرتبط با این حوزه تحقیقی، از جمله مباحث مربوط به حوزه نقد ادبی همراه با مصاحبه ها و خاطرات این نویسندگان، تا حد امکان مورد مطالعه و استناد قرار گرفت.

اما پژوهش و نگارش رساله حاضر را وامدار زحمات علمی و راهنمایی های فاضلانه استاد گرانقدر، جناب آقای دکتر ناصر علیزاده؛ و نکات عالمانه جناب آقای دکتر رحمان مشتاق مهر، مشاور ارجمند رساله هستم. در این مجال از این دو استاد گرامی و نیز از داور محترم رساله، جناب آقای دکتر یدالله نصراللهی سپاسگزاری می کنم. لازم به ذکر می دانم با تمام وسواسی که در مطالعه، استخراج و تحلیل دیدگاه های منعکس شده در نامه ها - به عنوان اسنادی شخصی - صورت پذیرفت؛ نگارنده هرگز ادعای تحقیقی جامع و مانع را ندارد و تمام لغزش های قلمی یا نواقص موجود در رساله متوجه وی می باشد.

بر خود وظیفه می دانم در برابر زحمات و دلسوزی های بی دریغ اساتید فرزانه و فرهیخته گروه زبان و ادبیات فارسی؛ جناب آقای دکتر رشید عیوضی و جناب آقای دکتر سعیدالله قره بگلو، و همچنین جناب آقای دکتر احمد گلی و جناب آقای دکتر حیدر قلیزاده، نهایت قدردانی خود را اعلام کنم.

تبریز / فریده چوپانی

تابستان ۱۳۹۰

مقدمه:

* نثر معاصر فارسی

* انواع ادبی

** زندگی نامه ها

*** منشآت، مکتوبات، نامه ها

**** رمان و داستان نویسی

* نقد ادبی

** تأملی بر نظریه های ادبی

*** جاودانگی تألیف یا مؤلف؟!

**** ضرورت و اهمیت وجود خواننده

* نفوذ فکری - ادبی هدایت، علوی،

آل احمد و دانشور در فرهنگ و ادب معاصر

۱ - نثر معاصر فارسی

در جهان ادب و هنر امروز، یکی از قلمروهای پژوهشی پرگفتگو و پرمدعی، قلمرو بسیار گسترده و پر شاخ و برگ ادبیات است. ادبیات فارسی نیز به دلیل دیرینه سالی و قدمت فرهنگی، مسلماً سخن برای گفتن، بسیار دارد. همان طور که بزرگان این زبان، چون مولوی و حافظ و خیام و سعدی و فردوسی، قرن هاست که با حضور خود در کتاب ها و نقدها، خود را در شمار بزرگ اندیشان ادب فارسی، ماندگار کرده اند.

از جمله مباحث مهم در حوزه ادبیات، بحث های مربوط به آفرینش آثار ادبی، و کیفیت مطالعه و بررسی آن هاست. این دو مبحث در ارتباط و تعامل دائم با یکدیگر هستند. هم آفرینش های ادبی، در انواع و قالب های مختلف نظم و نثر، صورت می پذیرد؛ و هم مطالعه و قضاوت آن ها به اشکال متفاوتی از نقد و تحلیل و ترجمه و تفسیر، انجام می گیرد.

به این اعتبار است که با به کار بستن اصول و تکنیک های تحلیل ادبی در خصوص مصالح و مواد فرهنگی، مطالعات ادبی شکل گرفته، و دامنه آن با قرار گرفتن در معرض تحولات و جنبش های ادبی و اجتماعی، گسترده تر می شود. [کالر، ۱۳۸۹: ۶۵]

در دوران معاصر یعنی از انقلاب مشروطه به این سو، ما شاهد دگرگونی های بسیاری در حوزه ادبیات و دیگر رشته ها و فعالیت های فرهنگی بوده ایم. از جمله عبور از فضای غالب نظم به فضای متفاوت نثر، و در ادامه، عبوری جسورانه تر، از قالب های قراردادی ادبی در حوزه نثر، به قالب های نو ظهور. طبیعتاً این تغییر فضا، در روند تغییر سلاقی ذوقی و هنری صورت می پذیرد. به عنوان مثال "همزمان با تحولات بنیادی اجتماعی و به خود آیی و خویشتن نگری ملی، ادبیات نوینی شکل می گیرد که مهم ترین خصوصیتش انتقاد از تمامی مظاهر تحجر ... است." [میر عابدینی، ۱۳۸۷، ج ۱ و ۲: ۱۷]

این مهم، هم در حوزه شعر معاصر رخ داده: پیدایش، گسترش قالب های شعری نو و سپید در مقابل قصیده و غزل سنتی؛ هم در نثر معاصر: پیدایش انواع رمان^۱ و داستان به جای نوع غالب تاریخ

نگاری ها و تألیف هایی محصور در حوزه عرفان و تصوف و ... تا حدی که ادبیات منتشر نوپا اما غنی معاصر را در معرض نگاه و نظر ملی و فرا ملی قرار داده است. غنی از این نظر که با وجود ابداعات امثال هدایت و آل احمد، بر ماندگاری و شهرت ادب فارسی در ساحت تاریخ ادبیات جهان، افزوده شده است.

در واقع آثار ادبی محصول فرایندی عظیم از مبادلات فرهنگی، برخوردها و تأثیر پذیری های متقابل و یکی از بزرگترین موارث و نمود های فرهنگ بشری است. بنابراین تداوم ادب امروز در بررسی آثار ناب و مطرح معاصر به نوعی تداوم منطقی ادب گذشته هم می تواند باشد. [حقوقی، ۱۳۷۸: ۱]

بحث ما در این رساله، به کانون کوچک اما مهمی در ادبیات منتشر سده های اخیر ایران، یعنی "نامه ها" مربوط می شود. بنابراین کار اصلی ما، طبقه بندی موضوعی و تحلیل محتوایی نامه های^۲ چهار نویسنده صاحب سبک و پیشتاز یعنی «صادق هدایت»، «بزرگ علوی»، «جلال آل احمد» و «سیمین دانشور» می باشد. تمام سعی ما بر این است که نسبت به نوع ادبی نامه ها، جهان بینی این نویسندگان و بازتاب روند خلق آثار داستانی یا تحقیقی در نامه هایشان، نگرشی انتقادی و نو داشته باشیم.

نام های بسیاری در قلمرو تألیف، ترجمه، پژوهش و تدقیق متون ادبی به چشم می خورد که شاید با هم "نامتجانس" به نظر بیایند، اما در واقع سیاهه ای از گرایش های فرهنگی به هم پیوسته، مجموعه ای از ارزش ها، رویه ها و نگرش های جنبش یا سرمشق یا مکتبی به شمار می آیند که ما همین سیاهه را ادبیات معاصر متشکل از نظریه های جدید، نقد جدید، نثر معاصر، هنر پسامدرن و ... می نامیم. [یزدانبجو، ۱۳۸۷: ۹۴ و ۹۵] و بر اساس این معیار ها، به بازانندیشی و بازشناسی آثار و مؤلفان آن ها می پردازیم. از همین رو چهار نویسنده مذکور را برگزیده ایم تا با عنایت به نامه ها و مکالمه های صمیمانه آنان با مخاطبانشان، به طرح و بحث اندیشه ها و اهداف نگارشی و پژوهشی شان پردازیم.

جلال آل احمد در مورد نیما یوشیج می گفت: "نیما زندگی را بدرود گفت ... دفتر شعر فارسی، هرگز نام او را بدرود نخواهد کرد ... چرا که تپش حیات شعر زمانه ما، به مضراب او ضربانی تازه یافت." [آل احمد، نیما چشم جلال بود: ۱۲۳] این تعبیر بر خود آل احمد و نیز بر صادق هدایت، بزرگ علوی و سیمین دانشور در دفتر نثر فارسی، کاملاً صادق است. چرا که اینان^۳ با آثار ماندنی و سبک

دلنشین خود، همچنان در داستان‌ها و مقاله‌ها و پژوهش‌های مربوطه، افکار و منش‌های خود را به نسل جوان انتقال می‌دهند. یقیناً اگر فراموش‌شدنی بودند، این همه تأسی‌گر و مقلد نداشتند.

۲ - انواع ادبی

در مورد تک تک مباحث گسترده ادبی، تقسیم‌بندی‌های علمی و ذوقی فراوانی وجود دارد. در یک نگاه کلی تقسیم‌بندی و مطالعه متون بر اساس انواع ادبی، منطقی به نظر می‌رسد.

چنان‌که "موضوع انواع، مسائل اساسی در تاریخ ادبیات و تاریخ نقد ادبی و روابط متقابل آنها را مطرح می‌کند." [ولک، ۱۳۷۳: ۲۷۳]

در سال‌های اخیر که دید علمی، بر تمام چهارچوب‌های فکری بشری، سایه گسترده، انواع ادبی نیز به عنوان یکی از شعبه‌های بسیار مهم ادبیات، بیش از پیش مورد توجه محققان ادبیات، قرار گرفته است. [شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۹]

یک اثر هنری واقعی را می‌توان "ساختمانی از هنجارها" دانست. یعنی یک اثر به شکلی جزئی در تجربه واقعی انبوه خوانندگان آن بازساخته می‌شود و هر تجربه‌ای (قرائت، روایت و ...) کوششی است در به دست آوردن این مجموعه از هنجارها و مقیاس‌ها. همان هنجارهای پنهان در کار هنری، که در تمامیت اثر، توسط هنرمند ساخته و پرداخته می‌شود و توسط خواننده تیزبین، از متن انتزاع می‌گردد. اما طبیعتاً در تمام آثار هنری - ادبی، شباهت‌ها و تفاوت‌های سبکی، بیانی، زبانی و هنجاری وجود دارد. در مسیر دست‌یابی به شباهت‌هاست که می‌توان آثار هنری را بر حسب مواردی چون موارد ذکر شده دسته‌بندی کرد و در نهایت به نظریه انواع و نظریه ادبیات به طور کلی رسید. [ولک، ۱۳۷۳: ۱۶۶]

در واقع نوع ادبی "نهاد" است. می‌توان در آن و همسو یا متفاوت با دیگر نهادها، کار کرد، از طریق آن خود را - محتوای آثار ادبی و داشته‌های فرهنگی موجود در این آثار را - تبیین و تحلیل کرد. حتی می‌توان در راستای این نهاد [نوع ادبی] نهادهای دیگری ایجاد کرد؛ و قلمرو انواع را در ادبیات به نسبت ذوق زیبایی‌پسند، و سلیقه هنری موجود، گسترش داد. [همان: ۲۵۹]

در عرصه تحقیقات علمی - ادبی، مباحث جدیدی به خصوص از حوزه های فلسفه و روانشناسی وارد حوزه نقد ادبی شده است، مباحثی چون: نقد نو، بینامتنیت و تطبیق متون ادبی ملل، هرمنوتیک ادبی، تئوری های قرائت، مرگ مؤلف، شالوده شکنی و ...

انواع ادبی را "سازنده ذات متن های ادبی" دانسته اند. [دست غیب، ۱۳۷۸ : ۲۴۹] در هر صورت مانند هر علم دیگری، انواع ادبی نیز، چهارچوب مستقل و خاص خود را دارد و بدیهی است که پیدایش جنبش ها و نظریه های ادبی - هنری، بر چهارچوب انواع ادبی تأثیر گذار خواهد بود. [دست غیب، ۱۳۷۸ : ۲۴۷]

یکی از دلایل ارزشی مطالعه انواع ادبی این است که توجه خواننده و منتقد را به تحول درونی ادبیات یا "تکوین ادبی" معطوف می دارد. مثلاً یکی از راه های تعریف انواع ادبی جدید، نظر افکندن به کتاب ها یا نویسندگانی است که بر دیگران تأثیر بیشتری داشته اند. از این طریق می توانیم پژواک آثارشان را بهتر دریابیم. مثل تأثیر ادبی الیوت (Eliot)، اودن (Udon)، پروست (Proust) و کافکا (Kafka) در اروپا. [ولک، ۱۳۷۳ : ۲۷۱] یا تأثیر مولوی، خیام، حافظ، هدایت، نیما و دیگران در ایران. چرا که یک اثر ادبی ابزاری صرف برای بیان افکار یک نویسنده و معرف روزگار او نیست. بلکه مرحله ای از تکامل و تحول نوع ادبی خاصی هم محسوب می شود. (زرین کوب، ۱۳۷۲ : ۱۰۶)

۲ - ۱: زندگی نامه ها^۵

زندگی نامه ها جزو انواع ادبی و از اسناد تاریخی حائز اهمیت می باشند. اما به خصوص در مطالعات ادبی سده های گذشته، بیشتر از امروز به آنها بها داده می شد. شاید با توجه به پدیدار شدن انواع ادبی جدید و مضمون های نو، سیر تحقیقات ادبی به سمت و سوی قضاوت ها و تحلیل های متفاوت تر و مجزاتری سوق داده شده است.

بیشتر این زندگی نامه ها توسط معاصران شعرا و نویسندگان، و یا بعدها توسط تاریخ نگاران و محققان نوشته شده اند؛ که البته اطلاعات دست اول و بسیار دقیقی از زندگی شخصی و ادبی شاعران و نویسندگان دوره کلاسیک، مانند حافظ یا بیهقی، چندان وسیع نیست. به خصوص آن که معمولاً به میزان بالا رفتن محبوبیت ادبی یک هنرمند، یافتن مستندات راجع به شخصیت واقعی او، به میزان قابل توجهی

پایین می آید. در نتیجه، هاله ای از ابهام و قضاوت های سطحی، نادرست یا اغراق آمیز، شاید تا سالیان متمادی چنین هنرمندی را احاطه کند و دید عموم خوانندگان را به سمتی کاملاً متفاوت هدایت کند. اما در دوران معاصر وضعیت تا حدّ زیادی تغییر کرده است. تا آن جا که حتی برخی از نویسندگان دوره معاصر خودنگاری دارند. مانند جلال آل احمد که زندگی نامه اش را از زبان خود نوشته است. مسلماً این دست زندگی نامه ها، به عنوان منابعی مؤثق تر و گویاتر از سایر اسناد و نوشته های پژوهشی دیگران، واقعیات زندگی هنرمندان را آشکار می سازد.

"توضیح اثر بر حسب شخصیت و زندگی نویسنده از کهنترین و جاافتاده ترین روشهای تحقیق ادبی بوده است." چرا که مهم ترین علت خلق اثر را، خالق آن می دانسته اند. اما نمی توان حکم کرد که این دو (اثر و خالق اثر) چون دالّ و مدلول همیشه به دنبال هم و در کنار هم مطرح شوند.^۶ از دیگر سو، از طریق زندگی نامه ها، می توان به مسائل مهمی از قبیل سیر پرورش اخلاقی، فکری و عاطفی هنرمندان، ادیبان، اندیشمندان و نوابغ دست یافت. یعنی یک زندگی نامه به ظاهر ساده، تا حدودی می تواند برخی از اسناد و مواد لازم را برای مطالعه منظم روانشناسی و شخصیت یک هنرمند، و فرآیند آفرینش ادبی و هنری او فراهم آورد. سپس این آفرینش ها را در چهارچوبی خاص، تبیین و تفسیر کند. با این نگاه، زندگینامه ها از مصالح علم "روانشناسی آفرینش هنری" نیز محسوب می شوند.^۷ [ولک، ۱۳۷۳ : ۷۴]

۲ - ۲: منشآت، مکتوبات، نامه ها

شاید بدیهی ترین راه شناخت یک نویسنده پر آوازه با تعداد زیادی قصّه و رمان، خواندن داستان های او به نظر برسد. اما در رساله حاضر، ما تلاش کرده ایم از طریق نامه های چهار تن از نویسندگان معاصر ایران، یعنی صادق هدایت، بزرگ علوی، جلال آل احمد و سیمین دانشور، به این بازشناسی برسیم.

از آن جا که این چهار تن، چند دهه پر تب و تاب از تاریخ و فرهنگ کشورمان را با چشم های باز رصد کرده اند و برگردان عاطفی و اندیشگی ملاحظات آنها در آثارشان از جمله نامه ها در اختیار ماست؛ [بهرام پور عمران، ۱۳۸۹ : ۱۲] آن هم دست نوشته ها و یادداشت هایی که اغلب خصوصی

بوده اند و تا چند دهه پیش بازتاب عمومی نداشته اند، و حجم قابل توجهی از آن ها، اصلاً به قصد انتشار نوشته نشده اند؛ پس مسلماً اسنادی ارزشمند و شایان توجه هستند. در جایگاه نوع خاصی از تولیدات ادبی می توانند در کنار علوم و فنون دیگر، در مطالعات ادبی، تاریخی و اجتماعی مورد استناد و پژوهش قرار گیرند.

نامه های ادبا و شعرا، به عنوان اسناد تاریخی و فکری و ادبی، در تاریخ ادبیات ایران جایگاهی والا دارد؛ و جمع آوری و مطالعه و شناساندن آنها امری اجتناب ناپذیر می نماید. ما در تاریخ ادبیات خود به عناوینی چون: مکتوبات، مکاتیب، منشآت، مراسلات، رسایل، نامه ها، یادداشت های شخصی، یادداشت های روزانه و خاطرات، بر می خوریم.

در قلمرو نثر "منشآت یا مکاتیب یا مکتوبات یا رسایل" از شاخه های فرعی انواع ادبی محسوب می شوند که به "مجموعه نامه های دوستانه یا دیوانی یک نویسنده" اطلاق می گردد.^۸ [شریفی، ۱۳۸۷] از جمله: منشآت خاقانی، منشآت رشید الدین فضل الله، مکاتیب عین القضات، مکاتیب فارسی غزالی، مکتوبات مولوی، مکاتبات ابوالفضل علمای، مکاتیب فارسی عبدالله قطب شیرازی (قطب محیی)، منشآت فرهاد میرزا معتمدالدوله، منشآت قائم مقام.^۹

نامه های نویسندگان بزرگ معاصر در حدود صد سال اخیر، گوشه های مهمی از تاریخ و فرهنگ معاصر را به خوبی نشان داده و در تحوّل نثرنویسی فارسی بسیار تأثیر گذار بوده اند. سطر سطر این نامه ها خزانه بی نظیری از اطلاعات ادبی، و گویای چگونگی روابط ادبی و دوستی نویسندگان نامه ها با مخاطبان شان می باشد. بنابراین با بررسی این نامه ها و بازشناسی این نویسندگان از طریق بازتاب افکارشان در این نامه ها، به حقایق قابل توجهی از وضع فرهنگی و اجتماعی و به طور اخص، وضع ادبی خود نویسنده و مردم روزگارش، دست می یابیم. [علوی، ۱۳۷۷: نه] چرا که مراسلات و نامه های نویسندگان و شاعران کلاسیک یا معاصر، به ندرت و بسیار کمتر از دیوان ها یا کتاب هایشان، مورد توجه و تدقیق قرار گرفته اند.^{۱۰} و از سوی پژوهشگران، جز اشاراتی جزئی، به شکل تخصصی، چندان مورد عنایت واقع نشده است.

حضور اندیشه این چهار شخصیت به شکل های مختلف؛ با یأس دائمی و طنز تلخ هدایت، تحرک فکری و صراحت بیانی آل احمد، سوخته دلی و سرزندگی علوی، و تکاپوی ادبی دانشور، در این نامه ها کاملاً آشکار است.

این چهار نویسنده از جمله به دلیل رفت و آمد با ادبای ایرانی و غیر ایرانی خارج از کشور، حضور در تعداد زیادی از همایش ها و سخنرانی ها، و مخصوصاً از راه نامه نگاری، از آثار منتشر شده یا در دست انتشار داخل و خارج از ایران مطلع می شده اند. تولیدات مربوط به عالم سینما، ادبیات، تاریخ و دیگر هنرها و هر آنچه که بوی وطن و علم و هنر و زندگی بدهد آن ها را به سوی خود می کشانید. و نامه ها یکی از طرفی بوده که با ادبای دیگر در زمینه ادبیات معاصر و کلاسیک داد و ستد های فکری و نظری داشته اند. همین تبادل فکرها و احساس ها و منش ها، تا حدود زیادی کیفیت آفرینش آثار بعدی هر دو طرف نگارنده و مخاطب نامه ها را مشخص می کند.

در زندگی عادی و روزمره نیز نوشته ها و اسنادی چون نامه، یادداشت شخصی و خاطره، بسیار جلب توجه می کند. حال اگر این نوشته ها از آن کسانی باشد که دنیای خود را از دریچه ای کاملاً متفاوت می بینند و داوری می کنند، نگاه هایی بس ژرف تر و خواهنده تر را به سمت خود جذب می کند. این در تمام گستره عالم ادبیات، و در پیچ و خم تمام آثار بومی و غیر بومی - البته بیشتر آثار نخبگان ادبی و هنری - رخ می نماید. علاوه بر چهار نویسنده مشخص شده در تحقیق حاضر، دیگر نویسندگان و شاعران نیز از این گونه اسناد شخصی دارند.

در خارج از حوزه زبان فارسی نیز می توان از این اسناد و دست نوشته های ارزشمند بهره های فراوان برد. حقایق منحصر به فردی که از نامه ها به دست می آید منحصر و محصور در نویسندگان و شاعران ما نیست، بلکه در نامه ها و یادداشت های شخصی نویسندگان سایر ملل نیز یافت می شود.

مثلاً مطالعه یادداشتهای و دست نوشته های میلتن (Milton) در یک دوره زمانی چند ساله، نشان می دهد که چگونه به تدریج به خلق شاهکارش (بهشت گمشده) رسید و این موضوع تا حدودی استنباط او را از کاری که مقدماتش را از مدت ها قبل فراهم کرده بود روشن می کند. یا بنا به گزارشی دیگر "چندی پیش با بررسی اوراق تواین (Twain) ثابت شد که او هرگز "بیگانه مرموز" را ننوشته؛ در واقع، ویراستاری تکه هایی منتخب از نوشته های او را پس از مرگش کنار هم گذاشت و این کتاب را "درست" کرد ... " [گرین و ...، ۱۳۸۰ : ۲۷۵ و ۲۷۶] و به دست آوردن این اطلاعات احتمالاً جز با بررسی دست نوشته های ادبی و یادداشت های خصوصی این دو ممکن نبوده است.^{۱۲}

در لا به لای نامه ها، خاطرات، یادداشت ها و مصاحبه های این نویسندگان، ما به نوعی با تاریخ مستند نیز روبرو می شویم که گوشه ای از وقایع اجتماعی، تاریخی، فرهنگی و ادبی کشورمان را همراه با بینش فردی نویسنده، به ما نشان می دهد. و این بار نه در قالب شخصیت پردازی های داستانی یا با

بهره‌گیری از ابزارهای بلاغی، بلکه به شکلی بلاواسطه و صادقانه، با بیانی ساده و صمیمی، تماماً از زبان خود نویسنده.

نتیجه آن که ما در بررسی و طبقه‌بندی محتوایی این نامه‌ها به نکات شایان توجهی در خصوص جنبه‌های شخصیتی و ادبی این چهار نویسنده برخوردیم که چه بسا در بقیه آثار این نویسندگان به خصوص داستان‌هایشان، ناگفته و ناپیدا باشد. بنابراین می‌توان گفت ارزش و اهمیت هدایت‌نامه‌ها، علوی‌نامه‌ها، آل‌احمد‌نامه‌ها، و دانشور‌نامه‌ها کمتر از ارزش هدایت و علوی و آل‌احمد و دانشور قصه‌هایشان نیست.

در یک جمع‌بندی کلی؛ دقایق حاصل از بررسی، استخراج و استنباط محتوایی از دیدگاه‌های ادبی و اجتماعی موجود در نامه‌های انتشار یافته از چهار نویسنده مد نظر، در چهار فصل جداگانه، به ترتیب زمانی ذکر خواهد شد.

۲ - ۳: رمان و داستان نویسی

در دنیای معاصر بسیاری از هنرمندان اصیل در عرصه قلم و نوشتن، به این حقیقت رسیده‌اند که گاهی نثر داستانی و رمان، کارآمدتر و بهتر، حرف دل را می‌سراید. شاید هدایت و علوی و آل‌احمد و دانشور را نیز بتوان جزو این دسته به حساب آورد. رواج بی‌سابقه رمان و داستان کوتاه در دهه‌های اخیر، می‌تواند شاهدی بر این مدعا باشد.

هر شخص عادی یا هنرمندی، از تنفس فضای حاکم بر روزگار خود، و تعاملات اجتماعی وسیع یا محدود خود در این فضا؛ به درک تجربه‌های "بصری" و "ذهنی" منحصر به فردی می‌رسد.

به همین ترتیب "هر مرحله تازه تاریخی، شکل‌های بیانی جدید و مورد نیاز خود را می‌طلبد." و پدید آمدن "رمان فارسی" نشانگر "تغییری پر دامنه در رابطه انسان ایرانی و جهان، و مقام فرد در جامعه" است. [میر عابدینی، ۱۳۸۷، ج ۱ و ۲: ۲۱]

در تعریف از رمان، آن را گونه‌ای داستانی شمرده‌اند که در کنار "تخیل" با تجربه انسانی هم سر و کار دارد. [شریفی، ۱۳۸۷]